



واقع نگری در بینش فقهی امام خمینی

نویسنده: معرفت، محمد هادی

فلسفه و کلام :: کیهان اندیشه :: فروردین و اردیبهشت 1369 - شماره 29

از 39 تا 44

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/25713>

دانلود شده توسط : محمدمامین رضانی

تاریخ دانلود : 1393/06/03 18:31:51

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

واقع‌نگری در پینش فقهی امام

محمد‌هادی معرفت

محمد‌هادی معرفت: به سال ۱۳۱۲ ش در کربلا متولد شد، نامبرده تعلیم علوم اسلامی را از محضر پدر آغاز نمود. سطح و قسمتی از خارج فقه و یک دوره اصول را در محضر استاد شیخ یوسف بیجارجمندی خراسانی فراگرفت، وی در ادامه تحصیل به حوزه علمیه نجف وارد و از درس فقه و اصول آیات عظام: حکیم، خوبی، شیخ حسین حلی، میرزا باقر زنجانی، علامه فانی و حضرت امام خمینی استفاده نمود. و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و مدتی در درس اصول آیة‌الله میرزا هاشم آملی حاضر شد. ایشان پس از سالها تدریس در سطوح عالیہ همچون از اساتید خارج فقه و اصول محسوب می‌گردد. نامبرده آثاری نگاشته که از جمله: التمهید فی علوم القرآن (تاکنون ۳ جلد)، حدیث لاتماد، ولایة‌الفقیه، تحقیق و تعلیق شرح تبصره حاج آقا ضیاء... و...

است، و در حقیقت حافظ مصلحت واقعی انسان می‌باشد، تا او را سعادت‌مند و نیکبخت نماید، و خواست فطری او را در دو جهان تأمین کند.

از اینرو فقیه توانا کسی است که با دید واقع‌بین، مسائل روزمره را بررسی کند، و با این دید واقع‌نگرانه، به سوی منابع فقهی و مدارک اولیه فقه، روآورد که در اصطلاح به آن «شم الفقاهة» می‌گویند. فقیه کسی است که بر تمامی جوانب شریعت آگاهی کامل داشته باشد، و بر

معاملات، در اصطلاح فقهاء، معنای گسترده‌ای دارد، و آنچه را که در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری انسان مداخلت داشته و نیاز به برنامه‌ریزی دارد، در برمی‌گیرد. مقصود کارهایی است که در انجام آن نیاز به قصد تعدد ندارد. گرچه اگر با این قصد انجام شود ثواب بیشتری خواهد داشت.

یکی از ویژگیهای شگفت‌آور فقاہت در

اسلام اصیل، واقع‌بینی و واقع‌نگری آن است، پیوسته در تمامی ابعاد شریعت «مصلح واقعیه» منظور بوده، کام فقاہت را، از روز نخست با جمله «الاحکام الشرعیة تابعة للمصالح الواقعیة» برداشته‌اند. از همین رو گفته‌اند: «الاحکام الشرعیة الطاف فی الاحکام العقلیة» (احکام شرع هر یک لطفی است از جانب پروردگار، و رهنمودی است به سوی دیدگاههای واقعی عقل) یعنی آنچه را که شرع می‌گوید همان است که عقل با دید واقع‌بین خود- چنانچه از کدورات اوهام‌کاری باشد- خواهد گفت. تطابق عقل و شرع از همین جا سرچشمه گرفته است.

احکام شرع، چه در باب عبادات، و چه در باب معاملات، هر یک بر مبنای واقعیت استوار

ملاکات احکام شرع- جز عبادات^۱- بخوبی واقف باشد.

فقهای بزرگد مخصوصاً قداماء با همین دید به فقاقت می‌نگریستند، و به سوی منابع فقهی به جهت استنباط صحیح قدم برمی‌داشتند. از اینرو به فقاقت، همیشه رنگ و بوی تازه‌ای می‌بخشیدند، و پیوسته فقه را زنده و پویا و تأمین‌کننده نیازهای جامعه، جلوه‌گر می‌ساختند، و آن را جوابگوی مسائل علمی انسان، در تمامی ابعاد زندگی می‌دانستند. لذا فقه اسلامی- از دیدگاه تشیع- پیوسته در حال گسترش و فراگیر (جامع و کامل) بوده و هست، و باب اجتهاد هیچگاه مسدود نگشته و در تمامی دوران به روی تمام مسائل روزمره باز بوده و هست.

منتهی مرد میدان می‌خواهد، که این حقیقت انکارناپذیر را آنگونه که هست پیاده کند، و این واقعیت جهان‌مشمولی را، که در تمام ابعاد فقاقت اسلام وجود دارد، عینیت بخشد، و به تجسد درآورد.

فقهای بزرگ عالم اسلام پیوسته چنین بودماند، فقه را جهش داده و آن را به سوی واقعیت‌های عینی به پیش می‌بردند، از اینرو هیچگاه در روند حرکت فقاقت، رکود یا عقب‌گرد (حالت تقلیدی و مردگی) بوجود نمی‌آمد.

مثلاً: در باب معاملات (بمعنی اخص آن)^۲ بر این عقیده بودند، که شرع مقدس به بیان اصول و کلیات بسنده کرده، هر گونه معامله عقلانی^۳ که در هر زمان معمول باشد، و عقلا آن را پسندیده و صحت آن را مقرر داشته باشند، شرع نیز صحت گذارده آن را امضاء کرده است، فقط لازم است بر وفق قواعد اولیه اسلام باشد که چهارچوب آن را قرآن و سنت بیان داشته:

۱- بارضایت طرفین انجام گیرد، و هیچگونه فشار و سلب‌اختیار در بین نباشد. «تجارة

عن تراض».

۲- غرض عقلاء پسند همگانی وجود داشته باشد و هیچگونه بیهوده‌نگری در بین نباشد «ولا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل».

۳- مفسده‌ای در بر نداشته باشد. مقصود: زیانهای اخلاقی و اجتماعی که با محیط سالم اسلامی سازگار نیست، در آن وجود نداشته باشد. ۴- «غرر» در کار نباشد. مقصود: زیان احتمالی که ناشی از جهل طرفین یا یکی از آنها باشد، وجود نداشته باشد. «نهی‌النبی (ص) عن بیع‌الغرر» لذا باید «عوضین» کما و کیفاً برای هر دو روشن بوده. و اگر مدت‌دار باشد کاملاً محدود باشد.

۵- مخالف صریح دستورات شرع (کتاب و سنت) نباشد، «کل شرط خالف کتاب‌الله فهو باطل».

و شرائطی از این قبیل که جنبه عمومی و شمول دارد...

خلاصه: شرایطی را اسلام در صحت و نفوذ معاملات قید کرده، که لازم است هرگونه معامله واجد آن شرایط باشد.

بنابراین معاملاتی که مورد پذیرش عقلای جهان قرار گرفته، خواه بین دو فرد باشد یا در قراردادهای بین‌المللی منعقد گردد، چنانچه در

* فقط عبادات است که ملاکات آن روشن نیست، و کسی نمی‌تواند دقیقاً بر تمام اسرار نهفته در هر یک از عبادات واقف گردد. ولی سایر احکام شرع، قسابل درک است و ملاکات آنها قابل پیش‌بینی می‌باشد و فقهاء بزرگ (مخصوصاً قداماء) سعی داشتند تا بر تمامی ابعاد و ملاکات آنها دست یابند، و در این راه نیز موفق بودماند.

○ در رابطه با داد و ستدهای متداول هر زمان.

○ یعنی عقلای جهان از هر ملیت و مذهبی که باشند آن را صحت گذارند و از صورت سفاقت بیرونش دانند.

اتخاذ گردد، و امضاء شرع را شامل و گسترده‌تر از آنچه این طرز تفکر می‌پندارد، دانست؟.

فقه‌های سلف، با همین شیوه (شمول امضائی) معاملات رایج عهد خود را بررسی کرده، و تحت شرایط فوق، آن را مشمول «اوفوا بالعقود» دانسته، آن را صحه گذارده‌اند. و هرگز این طرز تفکر، در مخیله آنان خطور نمی‌کرد که حتماً باید در همه ادوار تاریخ، شیوه معاملات مورد نیاز بشر، طبق آنچه در جزیره العرب، با آن زندگی ساده، انجام می‌گرفته تطبیق نماید!

از این عجیب‌تر تفکری است که معتقد است: لازم است انجام معاملات نیز به همان شیوه گذشته انجام شود، و اگر در زمان آنها با پول طلا و نقره انجام می‌گرفته، باید فعلاً نیز بهمان نحوه انجام گیرد.

برای نمونه مثال زیر ذکر می‌گردد:

عقد «مضاربه» که با پرداخت پول نقد از یک طرف، و انجام عمل از طرف دیگر، صورت می‌گیرد، برخی از فقهای متأخر شرط کرده‌اند که پول پرداختی از طرف صاحب مال بایستی سکه طلا یا نقره رایج بازار باشد، وگرنه معامله باطل خواهد بود. به دلیل آنکه این معامله در دوران گذشته چنین بوده، و باید نیز چنین باشد، علاوه دعوی اجتماع هم نموده‌اند.*

این طرز تفکر، با جهانی بودن شریعت اسلام، هرگز سازگار نیست، و در سایه این‌گونه تفکر، بایستی تا پایان جهان، مردم هر دوره، در هر شرایط و احوالی، در رفع نیازهای خود، بهمان شیوه‌های دوران ابتدایی انسانها عمل کنند، و اگر

* رجوع شود به حواشی عرواق‌الوثقی در احکام مضاربه، شرط دوم.

چهار چوب شرایط فوق باشد، و از آن تخطی نگردد از نظر اسلام، صحیح و نافذ است، و مشمول «اوفوا بالعقود» می‌باشد، لازم و واجب الوفا است.

اکنون مناسب است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا شرع اسلام، خود معاملاتی را نوآوری کرده؟ یا بطور عموم، معاملات پذیرفته شده نزد عقلا را، جز آنچه خارج از محدوده شرایط فوق باشد، امضاء کرده، و خود هرگز در این زمینه نوآوری نکرده است؟

بدون شک، فرض دوم صحیح است، و هیچ‌گونه نوآوری در میان نبوده بلکه فقط به امضاء معاملات عقلا پسند، بسنده کرده.

مناسب است در اینجا به نکته‌ای اشاره شود: برخی از فقها معتقدند: امضاء شرع، صرفاً به معاملاتی که در آن عهد انجام می‌گرفته، تعلق دارد، و شامل معاملات نو ظهور، در آینده (نسبت به زمان شرع) نمی‌گردد. لذا هرگونه معامله نو ظهور بایستی به یکی از معاملات آن دوره بازگشت کند، تا مشمول امضاء شرع گردد.

این طرز تفکر، موجب به بن بست رسیدن طرح مسائل روز، و بررسی پیرامون آنها شده، دچار اشکال و ابهام و نارساییها می‌گردد، زیرا بسیاری از معاملات مورد نیاز روز، که جنبه‌های عقلایی آنها مسلم و قابل انکار نیست، با معاملاتی که صرفاً مورد نیاز آن دوره‌ها بوده قابل انطباق نیست چون نیازهای امروز گسترده‌تر، و پیچیده‌تر، از دیروز است.

لذا باید گفت: چه ضرورتی ایجاب می‌کند، که حتماً روش معاملات مورد نیاز بشر، برای همیشه، همان باشد، که در دوران گذشته انجام می‌گرفته؟ با فرض آنکه همان معاملات هم از جانب شرع تلقی نشده، بلکه صرفاً معاملات موجود زمان خود را صحه گذارده، چون خارج از محدوده شرایط مذکور نبوده. اینک آیا نباید همان شیوه

هرگز با روند زمان تغییر نمی‌کند. ولی نسبت به شیوه‌ها و نحوه عادات و رسوم هر زمان، با حفظ شرائط اولیه، نظر خاصی ندارد.

از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه رسید: در میان فقهای متأخر دو گونه طرز تفکر وجود دارد: جمودی و شمولی، که طرز تفکر اول با ظاهر بینی بیشتر سروکار دارد، و تفکر دوم با واقعیتها و جهان شمولی اسلام.

حضرت امام - قدس سره الشریف - از پیروان مکتب جهان شمولی بوده و سخت در این باره اصرار می‌ورزیدند.

معظم‌له در این مورد می‌فرمودند: مسائل فقهی را در کوچه و بازار، در میان مردم، و با سنجش با نیازهای موجود، ارزیابی کنید. معیارهای گذشته و پوسیده را دور بریزید، و با دید واقع‌نگرانه، در راه استنباط احکام شریعت قدم بردارید.

حضرت امام - قدس سره الشریف - در نامه‌ای که به یکی از فضلاء حوزه نگاشته‌اند یادآور می‌شوند: «لازم است از برداشت جناب‌عالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنا بر نوشته جناب‌عالی زکات تنها برای مصارف فقراء و سایر اموری است که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است راهی نیست؟!»

رهان - شرط بندی - در سبق و رمایه مختص است به تیر و کمان و اسب‌دوانی و امثال آن، که در جنگهای سابق بکار گرفته می‌شده است، و امروز هم تنها در همان موارد است؟!

انفال که بر شیعیان تحلیل شده است، امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای کذایی، جنگلها را از بین ببرند، و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است

در چگونگی معاملات خود، کوچکترین تغییری از آنچه هزارها سال پیش انجام می‌شده، انجام دهند، مورد امضاء اسلام نخواهد بود.

عجبا، مگر اسلام دین محدود و انحصاری است؟! و شریعت اسلام جوابگوی مسائل روزمره انسانها برای همیشه نیست؟ لذا باید گفت: این طرز تفکر، همانا عقب‌گر است، تحجر و جمود است، بستن باب اجتهاد است، لا غیر.

این یک نمونه از صدها موردی است که اسلام را دین جامد و بیحرکت معرفی می‌کند، و نسبت به مسائل رخ داده روز، گنگ و بی‌محتوا ارائه می‌دهد.

مسأله تعزیرات که برخی برآنند باید حتماً با تازیانه انجام گیرد، از همین قبیل است، حد قتل باید با شمشیر انجام شود!!

مسافرت با هواپیما مشمول احکام مسافرت در اسلام نیست و در صورتی نماز در سفر قصر است که با اسب و کجاوه و شتر انجام شود!!

از نظر اینان اسلام دین «بدوی‌ها» است، و در درازمدت قابل اجرا نیست و جوابگوی نیازهای بشریت برای ابدیت نیست!! حاشا و کلا!!

شخصی از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: لباس اسلامی کدام است؟ امام در جواب می‌فرماید: از دیدگاه اسلام، لباس باید پاک و پاکیزه باشد، از پول حلال تهیه شده باشد، اما طرز و نحوه آن، به شیوه مورد پسند هر زمان بستگی دارد، آنگاه فرمودند: «خیر لباس کل زمان لباس اهل» بهترین پوشاک از دیدگاه اسلام پوشاکی است که در هر دوره مرسوم آن زمان باشد، و اضافه فرمودند: لباس «شهرت» که مورد نکوهش اسلام قرار گرفته، مخالفت با شیوه‌های مرسوم هر زمان می‌باشد.

خلاصه اسلام یک‌سری اصول ثابت دارد، که

واقعیتها و نیازهای جامعه، نگاه می‌کردند، می‌نگریستند.

و در همین مسأله «مضاربه» طبق نظر فقهای عالیقدر، که با بررسی معامله موجود آن دوره، شرایط آن را بررسی کرده، از یک طرف نقد، و از طرف دیگر عمل، مرسوم بوده، آن را صحه گذارده‌اند، زیرا با قواعد اولیه مخالفتی نداشته، اکنون نیز اگر چنین معاملهای رایج باشد، با شرایط موجود واحوال و اوضاع حاضر وفق دهد، بی‌اشکال است و اگر آن زمان، پول رایج، سکه طلا و نقره بوده، این زمان پول رایج هرچه باشد کفایت می‌کند و هرگونه تقلید در شیوه انجام آن مفهومی ندارد.

حضرت امام - قدس سره - در همین زمینه (در حاشیه عروة الوثقی) می‌فرمایند: «لم یثبت الاجماع فی المسأله... والقدر المتیقن هو عدم الجواز فی غیر الاثمان ای العروض و اما فی مثل الدینار العراقی و الاسکناس من الاثمان غیر الذهب و الفضة، فغیر ثابت. فعلیه فصحتها لا تخلو من قوة، للعمومات، و کون المعاملة عقلائیة، و عدم غرریتها...».

(آنچه در صحت مضاربه شرط است: آنکه به جای پول نقد، جنس نپردازد، ولی اسکناس که پول نقد بشمار می‌آید، اشکالی ندارد زیرا مشمول عمومات «اوفوا بالعقود» و نحوه می‌گردد. و جنبه عقلائی دارد، و هرگونه «غرر» در آن نمی‌باشد)

* گویند: یکی از جمودگرایان بر حاشیه کفن مردهای نوشت: «اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله...» بدو گفتند: چرا چنین می‌نویسی؟ گفت: در حدیث آمده که حضرت صادق علیه‌السلام بر حاشیه کفن فرزندش حضرت اسماعیل، چنین نوشتند! از او پرسیدند: مگر اسم متوفای موجود اسماعیل است؟ گفت: نه ما، متعبد به ظاهر لفظ هستیم، و چون حضرت صادق اسماعیل نوشته، ما هم چنین می‌نویسیم!!

نابود کنند، و جان میلیونها انسان را به خطر بیاندازند، و هیچکس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد؟!

منازل و مساجدی که در خیابان کشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است. نباید تخریب گردد، و امثال آن؟! و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید، بکلی باید از بین برود، و مردم کوخ‌نشین بوده، و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند؟!....»

(نقل از روزنامه‌های مورخ ۶۷/۷/۲) و در نامه‌ای که ده روز بعد نوشته‌اند، اضافه فرموده‌اند: «ما باید سعی کنیم تاحصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی - صلی‌الله علیه و آله - برسیم. و امروز، غریب‌ترین چیزها در دنیا، همین اسلام است، و نجات آن قربانی می‌خواهد، دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم.»

این گفتارها - که از دلی سوخته و بصیرتی افروخته حکایت دارد - بخوبی روشنگر آن است که حضرت امام - قدس سره - طرز تفکری عمیق در مسائل روز، و نحوه برداشت احکام آن از روایات و اخبار داشته، اصول و قواعد شرع را، با بصیرتی نافذ و دیدی وسیع، با واقعیتها تطبیق می‌داده‌اند، و احکام و شرایع اسلامی را از دیدگاه واقعیت آن بررسی می‌کرده‌اند، صرفاً جمود بر ظاهر لفظ، یا انحصار در شیوه‌های ماسبق، روا نمی‌داشتند.*

حضرت امام - قدس سره - همانند دیگر فقهای بزرگ عالم اسلام، معاملات را انحصاری نمی‌دانستند، و معاملات هردور را طبق نیازهای موجود، و با حفظ شرایط اولیه، صحیح و نافذ می‌دانستند، و با همان دید وسیع که فقهای سلف به

همان سکه طلای رایج انجام گیرد؟ آیا «احتکار» فقط در جو و گندم است؟ آیا «مالیات» فقط منحصر در زکات است؟ آیا «تعزیرات» فقط با تازیانه باید انجام گیرد؟ آیا «حد قتل» باید با شمشیر انجام شود؟ آیا «احکام مسافر» مخصوص سفر با اسب و قاطر است؟ آیا «ریاخواری» با تغییر ظاهری اسم، حلال می‌شود؟ آیا «معاملات» باید در چهارچوب معاملات رایج عصر نبوت انجام گیرد؟ آیا «حدود و قصاص» و سایر امور انتظامی، در عصر غیبت کبری، به دلیل آنکه مخصوص مقام امامت است، باید تعطیل شود؟ و صدها سؤال از این قبیل که لازمه تعبد به ظاهر لفظ است بدون آنکه نظر به ملاک واقعی نماییم.

ایشان در پاسخ گفتند: من نمی‌فهمم، آنقدر می‌دانم که ما متعبد به ظواهر شرع هستیم و از ملاکات هیچ اطلاعی نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم! بدو گفتیم: حتماً برخلاف عقیده واقعی خود، سخن می‌گویید مگر حضرت امام قدس سرم در نامه خود متذکر نگردیدند: «از افراد تحصیل کرده و زحمت کشیده توقع نیست که این‌گونه برداشتها نمایند، و آن را به اسلام نسبت دهند. نصیحت می‌کنم: سعی کنید، تنها خدا را در نظر بگیرید، و تحت تأثیر مقدس نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید...».

در پایان، از خداوند متعال می‌خواهیم، که نصیحت امام، بر دل‌های ما اثر گذارد، و ما را از قید و بند اوهام و خرافات برهاند، جز خدا و حقیقت‌گویی چیز دیگری مدنظرها نباشد، آنگاه است که اسلام را با چهره واقعی خود، به جهان عرضه کنیم، و مصداق آیه شریفه «و کذلک جعلنا کماة و سطاتکونوا شهداء علی الناس» قرار بگیریم .. ان شاء الله..

خلاصة الکلام: حدود دو قرن است که در شیوه فقاقت دو طرز تفکر بوجود آمده: جمود نگری، توسعه نگری. مخصوصاً در عصر اخیر، برائت فرومایگی پیروان مکتب جمود گرایی در حال ازدیادند، آنان فقاقت را از حالت جهان شمولی دگرگون ساخته، در چهاردیوار تعبدات لفظی، و پیروی از تعبیرات گذشتگان، بدون درک محتوا، محصور دانسته‌اند.

حضرت امام- قدس سره الشریف- با این شیوه سخت در ستیز بوده و می‌فرمودند: بایستی این دیوار آهنین را که به دور خود کشیده‌ایم منهدم کنیم، و این زنجیرهای دست و پاگیر را از هم بگسلیم...

اسلام دین جهانی است، دین همگان است، دینی است که برای ساده‌ترین زندگیا و پیچیده‌ترین زندگیا، هر دو برنامه دارد، خواه انسان در حالت بدات و زندگی کند، یا در تمدن‌ترین جامعه‌ها زیست کند، ناچار است برای سالم زندگی کردن، از دستورات اسلام الهام بگیرد، زیرا اسلام برای تمامی مراحل، و در تمامی ابعاد زندگی برنامه دارد...

این است دید جهان شمولی اسلام، که متأسفانه مخالفان آن در عصر حاضر اندک نیستند.

چندی پیش کسی که خود را فقیه می‌داند می‌گفت: واقع‌نگری یعنی چه، مگر ما سنی شده‌ایم، هرگز نمی‌توان ملاکات احکام را بدست آورد!

بدو گفتم: مگر شما شریعت اسلام را جهان شمول نمی‌دانید؟ آیا «سبق و رمایه» باید با همان چوب و چوگان انجام گیرد؟ آیا «مضاربه» باید با